

واژه‌نامه توصیفی دستور زبان انگلیسی

جفری لیچ

مترجم:

محسن نوبخت

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیق و

توسعه علوم انسانی «سمت»



فرهنگ معاصر
انتشارات



فرهنگ معاصر
انتشارات

تهران، خیابان طالقانی غربی، خیابان فریمان، شماره ۲۸، کدپستی: ۱۴۱۶۸۶۴۱۸۲
تلفن: ۵-۶۶۹۵۲۶۳۲؛ واحد فروش: ۶۶۹۷۳۳۵۲؛ فکس: ۶۶۴۱۷۰۱۸
E-mail: farhangmoaserpub@gmail.com Website: www.farhangmoaser.com

واژه‌نامه توصیفی دستور زبان انگلیسی

جفری لیچ

مترجم: محسن نوبخت

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

حروف نگاری، صفحه‌آرایی و چاپ:

واحد کامپیوتر و چاپ فرهنگ معاصر

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق این اثر متعلق به «مؤسسه فرهنگ معاصر» است و هر نوع استفاده
بازرگانی از این اثر هم از راه فروش، یا نویسی، ضبط کامپیوتری به صورت‌های
مختلف از قبیل PDF، Online، کتاب صوتی و یا تکثیر به هر صورت دیگر،
کلاً و جزئاً قابل پیگرد قانونی است.

فهرست‌نویسی پیش از انتشار

- سرشناسه: جفری، لیچ ۱۹۳۶-۲۰۱۴ م. (Leech, Geoffrey, 1936-2014)
عنوان و نام پدیدآور: واژه‌نامه توصیفی دستور زبان انگلیسی / جفری لیچ؛ مترجم محسن نوبخت.
مشخصات نشر: تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۴۶ ص: ۱۲ × ۲۰ س. م.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی: A glossary of English grammar, 2006
موضوع: زبان انگلیسی - دستور.
موضوع: English language -- Grammar
موضوع: زبان انگلیسی - دستور - واژه‌نامه‌ها
موضوع: English language -- Grammar -- Dictionaries
شناسه افزوده: نوبخت، محسن، ۱۳۵۸ - مترجم.
رده‌بندی کنگره: PE ۱۱۳۰
رده‌بندی دیویی: ۴۲۵
شماره کتاشناسی ملی: ۷۳۹۴۹۸۵

فهرست مطالب

1-198	واژه‌نامه توصیفی دستور زبان انگلیسی
199-209	واژه‌نامه انگلیسی - فارسی
۸	مقدمه
۱۳	کتاب‌های مفید
۱۷	پیشنادهایی برای مطالعه بیشتر
۲۱	واژه‌نامه فارسی - انگلیسی

مقدمه

این کتاب واژه‌نامه مختصری از اصطلاحات (واژه‌ها، عبارت‌های) به‌کاررفته در توصیف دستور زبان انگلیسی است. کتاب می‌توانست خیلی طولانی‌تر و، به تبع آن، مرعوب‌کننده‌تر از این باشد. این امر مرا وا می‌داشت تا وارد حوزه فرهنگ‌نگاری و نه واژه‌نامه‌نویسی شوم. به منظور اجتناب از این امر، ناگزیر از انتخاب واژه‌هایی بودم که از اهمیت بیشتری برخوردارند، از این رو، مسلماً برخی واژه‌ها از این حوزه خارج شده‌اند.

دستور زبان هم، همانند دیگر حوزه‌های دانشی، به خاطر همپوشی و تقارن موجود بین اصطلاحات فنی با مشکلاتی مواجه است. برای مثال دستورپژوهان مختلف برای توصیف یک چیز، اغلب، از اصطلاحات متفاوتی استفاده می‌کنند. دلایل این امر تا حدودی موجه می‌نماید: دستورپژوهان مختلف اصطلاحات متفاوتی را به‌کار می‌برند چراکه درواقع از نظرگاه‌های متفاوتی به یک چیز می‌نگرند. - می‌توان گفت که اینان عینک‌های نظری متفاوتی بر چشم دارند. اما در افزایش اصطلاحات فنی در مطالعات دستور زبان دلیل دیگری هم وجود دارد. درواقع، «گروهی متحد و یکپارچه از دستورپژوهان زبان انگلیسی» وجود ندارد که با هم به صحبت بشینند و ایده‌های‌شان را از یک منظر واحد مبادله کنند. (اگر وجود می‌داشت می‌توانستیم امیدوار باشیم که همدیگر را درک کنند و

اصطلاحات فنی خود را استاندارد سازند). برعکس، و در حوزه‌ای وسیع‌تر، می‌توان به وجود سه گروه از دستورپژوهان قائل شد. یکی، معلمان دستور^۱ که علاقه‌شان به دستور از منظر آموزشی است. گروه دیگر تحت عنوان پژوهشگران نظری^۲ دستور که، پیش از هر چیز، علاقه‌شان به دستور انگلیسی به عنوان نمونه‌ای از زبان بشری است. و در نهایت، حد وسط این دو گروه، گروه میانه‌رو دستورپژوهان توصیفی^۳ قرار می‌گیرد که علاقه‌شان ارائه توصیفی از خود زبان انگلیسی به عنوان هدف است.

البته نباید چنین فرض شود که این دستورپژوهان همیشه با هم اختلاف نظر دارند. برعکس، اینان از اصطلاحات مشابه فراوانی برخوردارند و بسیاری از این اصطلاحات را به شیوه‌ای یکسان یا همانند به کار می‌گیرند. برای مثال، کم‌وبیش، در هر یک از روایت‌های دستور زبان انگلیسی اسم همیشه اسم است و یک بند^۴ همیشه بند است. اما در برخی حوزه‌ها اصطلاحات‌شان بی‌دلیل با هم فرق دارد. استادان دستور معمولاً از اصطلاح «مستمر»^۵ برای ساخت فعل «صورت دارای *be + -ing*» استفاده می‌کنند، نظیر *is reading*، حال آنکه دستورپژوهان توصیفی و پژوهشگران نظری اصطلاح «استمراری»^۶ را به کار می‌برند. از طرف دیگر، اصطلاح «مطابق»^۷ به احتمال فراوان در دستور نظری کاربرد دارد، در مقایسه با «تطابق»^۸ که بیشتر در دستورهای توصیفی و آموزشی دیده می‌شود. (این اصطلاح برای حالت‌هایی است که دستور نیازمند گزینشی بر

1. grammar teachers

2. theoretical researchers

3. descriptive grammarians

4. clause

5. continues

6. progressive

7. agreement

8. concord

اساس اصل مطابقت است؛ همانند گزینش *eats* بعد از *Arabbit* و *eat* بعد از *rabbits* در جمله‌های *A rabbit eats grass, Rabbits eat grass*. در این واژه‌نامه، به خاطر چنین تفاوت‌هایی، مدخل‌هایی وجود دارند که در آن‌ها از ارجاع متقابل بدین صورت استفاده شده است: «X: اصطلاح دیگری است برای Y». عکس این حالت، یعنی جایی که اصطلاح واحدی از جانب متخصصان مختلف برای مفاهیم متفاوت به کار گرفته می‌شود، نگرانی دیگری در دستور است. در این موارد، هرکجا که ضروری بوده، تعریف‌های متفاوت را با شماره مشخص کرده و نشان داده‌ام، مثلاً «(۱) compliment» و «(۲) compliment».

با توجه به چنین تفاوت‌هایی، برای واژه‌نامه‌ای همانند واژه‌نامه حاضر، تأکید بر رویکرد توصیفی «میان‌رو» که از زمینه‌های مشترک نظریه‌ای بی‌طرف نسبت به اصطلاحات دستوری بهره می‌برد منطقی می‌نماید؛ هرچند ممکن است در جاهایی که ضروری است تعاریف و اصطلاحات بیشتری را دربرگیرد. برای نیل به این هدف، اصطلاحاتی را به عنوان چارچوب بنیادین کار خود برگزیدم که در کتاب‌های مرجع از جمله ر. کوئرک^۱ و همکاران، «دستور جامع زبان انگلیسی»^۲ (لانگمن، ۱۹۸۵) و دستور زبان‌های دیگری با همان صلابت، همانند گرین‌باوم^۳ و کوئرک (۱۹۹۰) و لیچ و اسوارت‌ویک^۴ (۲۰۰۲)، دیده می‌شوند.

توصیف موردنظر من برای اصطلاحات دستوری متعلق به سه گروه متفاوت، ساده‌سازی زیاد بود. به باور من، بهتر است رابطه

1. R. Quirk

2. *A comprehensive Grammar of English Language*

3. Greenbaum

4. Svartvik

بین سه گروه پیش‌گفته به صورت پیوستاری در نظر گرفته شود؛ در این صورت، دستور زبان آموزشی و نظری در دو منهالیه این طیف قرار می‌گیرند و دستور توصیفی در جایی میان این طیف واقع می‌شود. این امر تا حدودی بدین علت است که جایگاه دستورهای توصیفی در این طیف تغییر می‌کند. از جمله دستورهای توصیفی خود - بیانگر^۱، دستور جامع زبان انگلیسی کمبریج (۲۰۰۲) نوشته ر. هادلستون^۲ و ج. پولام^۳ است که نسبت به دستور کوثرک و همکاران جهت‌گیری نظری قوی‌تری دارد و نیز گاهی مفاهیم دستور زبان را با اصطلاحات جدیدتری که نسبت به اصطلاحات سنتی کمتر پذیرفته شده عنوان‌بندی می‌کند. این اصطلاحات فنی و مهم را نادیده نگرفته‌ام اما این‌ها تأکید اصلی کتاب را به خود اختصاص نداده است. در منهالیه نظری این طیف نظریه‌های دستور زبان زیادی در رقابت با هم هستند که هر کدام از آن‌ها کم‌وبیش اصطلاحات فنی خاص خود را بسط داده‌اند. مسلماً همه این‌ها را نمی‌توان در این کتاب گنجانند اما اشاره به این نکته مهم است که حتی برخی از مقوله‌های دستوری مهم، که زمینه تفاهم مشترک نظریه‌های متفاوتی را تشکیل می‌دهند، عناوین مختلفی دارند که در چارچوب‌های متفاوتی به آن‌ها داده شده است. چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند^۴ هلیدی^۵ سنت اصطلاح‌شناختی خاص خود را دارد و به جای تکیه بر اصطلاحات پرکاربرد NP VP^۶ همچنان اصطلاحات NG VG^۷ را به کار می‌گیرد. من این دو اصطلاح هلیدی را در کتاب گنجاندم

1. self-proclaimed

2. R. Huddleston

3. G. pullum

4. systemic functional grammar

5. M.A.K. Halliday

6. noun phrase & verb phrase

7. nominal group & verbal group